

## حجاب از منظر قرآن چگونه است و فلسفه آن چیست؟

در ابتدا به رابطهٔ حجاب و پوشش اسلامی می‌پردازیم:

حجاب به معنای پرده، حاجب، پوشیدن و پنهان کردن و منع از وصول است. (۱)

این واژه تنها به معنای پوشش ظاهری یا پوشاندن زن نیست و در اصل به مفهوم پنهان شدن از دید مرد بیگانه است. بدین سبب هر پوششی حجاب نیست.

در قرآن آمده است: «و إذا سألتموهن متاعاً فأستلوهن من وراء حجاب؛» (۲) چون از زنان پیغمبر متاعی خواستید، از پس پرده بخواهید». این آیه درباره زنان و بیش‌تر در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی است، (۳) نه پوشش زن در مقابل نامحرم.

به کارگیری کلمه حجاب در خصوص پوشش زن اصطلاحی نسبتاً جدید است و همین سبب گردیده بسیاری گمان کنند اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. «ویل دورانت» می‌گوید: «این امر مبنای پرده پوشی میان مسلمانان به شمار می‌رود». (۴) برخی مدعی شده‌اند حجاب به وسیله ایرانیان به مسلمانان و اعراب سرایت کرده، در حالی که آیات مربوط به حجاب، پیش از مسلمان شدن ایرانیان نازل شده است. در عهد جاهلیت همان‌طور که «ویل دورانت» می‌گوید و کتب تفسیر شیعه و سنی تأیید می‌کند، اعراب چنین پوششی نداشتند و عادتشان «تبرج» و خودنمایی بود که اسلام آن را ممنوع ساخت: «ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى؛» (۵) و زینت‌های خود را مانند زمان جاهلیت آشکار نکنید.»

آن چه از قدیم به ویژه نزد فقها در بحث نماز و ازدواج رواج داشته، واژه ستر و ساتر به معنای پوشش و وسیله پوشش در مقابل نامحرم بوده است. بنابراین وظیفه پوشش اسلامی بانوان به معنای حبس و در خانه و پستو قرار دادن آنان نیست، در نتیجه عدم مشارکت این گروه عظیم در فعالیت‌های اجتماعی منظور نیست، بلکه این وظیفه بدان معنا است که زن در معاشرت با مردان، بدنش را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد و مشارکتش در فعالیت‌ها بر اصول انسانی و اسلامی استوار باشد. (۶)

## ضرورت پوشش اسلامی در قرآن

پوشش اسلامی از احکام ضروری اسلام است، زیرا نص صریح قرآن بر آن گواهی می‌دهد، بنابراین هیچ مسلمانی نمی‌تواند در ضرورت حجاب تردید کند، زیرا هم قرآن مجید به آن تصریح کرده و هم روایات بسیاری بر وجوب آن گواهی می‌دهد. به همین جهت فقیهان شیعه و سنی، به اتفاق بر آن فتوا داده‌اند. همان‌طوری که نماز و روزه به دوران خاصی اختصاص ندارد، دستور پوشش نیز، چنین است و ادعای نو بودن آن، غیر کارشناسانه می‌باشد.

خدا در آیه ۳۰ سوره نور نخست به مردان مسلمان و سپس در آیه بعد به زنان مسلمان فرمان می‌دهد از چشم چرانی دوری کنند و در رعایت پوشش بدن از نامحرمان کوشا باشند:

«قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم انّ اللّٰه خبیر بما یصنعون؛ ای پیامبر! به مردان مؤمن بگو: دیدگان خود را فرو خوابانند و عفت پیشه ساخته و دامن خود را از نگاه نامحرمان بپوشانند. این کار برای پاکی و پاکیزگی شان بهتر است و خداوند به آن چه می‌کند آگاه است».

"غض" در لغت عرب چنان که مرحوم طبرسی در مجمع البیان (۷) و راغب اصفهانی در مفردات گفته‌اند، به معنای کاستن است و "غض بصر" یعنی کاهش دادن نگاه، نه بستن چشم. البته این که از چه چیز چشمان خود را فرو بندند، ذکر نشده، اما با توجه به سیاق آیات، به ویژه آیه بعد روشن می‌گردد مقصود آن است که خیره خیره زنان نامحرم را تماشا نکنند و از چشم چرانی پرهیزند. (۸) سپس در آیه بعد می‌فرماید: «قل للمؤمنات یغضن من أبصارهن...؛ ای پیامبر! به زنان مؤمن بگو: دیدگان خود را فرو خوابانند و عفت پیشه ساخته، دامن خود را از نگاه بیگانگان بپوشانند و زیور خویش را جز برای شوهران و سایر محارم آشکار نکنند، مگر آن چه پیداست و روسری‌های خویش را به گریبان اندازند تا سر و گردن و سینه و گوش‌ها پوشیده باشد و پاهایشان را به زمین نکوبند تا آن چه از زینت پنهان می‌کنند معلوم شود...».

در این آیه، خداوند در خصوص پوشش بانوان، آن چه را بر زنان مؤمن لازم است، به دو شکل گسترش می‌دهد:

۱- پوشاندن سر و گردن.

۲- پوشاندن زینت‌ها.

"خمر" جمع خمار و به معنای روسری است. (۹)

"جیوب" از واژه "جیب" به معنای قلب و سینه و گریبان است. (۱۰)

در تفسیر مجمع آمده است: "زنان مدینه اطراف روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند و سینه و گردن و گوش‌های آنان آشکار می‌شد. بر اساس این آیه موظف شدند اطراف روسری‌های خود را به گریبان‌ها ببندازند تا این مواضع نیز مستور باشد". (۱۱)

فخر رازی یادآور می‌شود که خداوند با به کار گرفتن واژه‌های "منوب" و "علی" که مبالغه در القا را می‌رساند، در پی بیان لزوم و وجوب پوشش کامل این نواحی است. (۱۲)

ابن عباس در تفسیر این جمله می‌گوید: "یعنی زن مو و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند". (۱۳)

آیه بعدی حجاب:

«يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ...؛ ای پیامبر! به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: پوشش‌ها (روسری یا چادر) خود را بر خویش فروتر گیرند. این برای آن که شناخته نگردند و اذیت نشوند، به احتیاط نزدیک‌تر است و خدا آمرزنده و مهربان است.» (۱۴)

در این آیه دو مطلب قابل توجه است:

۱- جلباب چیست؟ نزدیک کردن آن یعنی چه؟

۲- فلسفه پوشش و حجاب اسلامی.

در مفهوم جلباب اختلاف نظر وجود دارد. آن چه با توجه به کتب لغت و گفتار مفسران شیعه مانند علامه طباطبایی (۱۵) و فیض کاشانی (۱۶) و اهل سنت مانند قرطبی (۱۷) صحیح‌تر به نظر می‌رسد، آن است که جلباب، پوشش چادر مانند است، نه روسری و خمار. از ابن عباس و ابن مسعود روایت شده که منظور عبا است. پس جلباب لباس گشاد و پارچه‌ای است که همه بدن را بپوشاند؛ مفسران بزرگ مانند شیخ طوسی و طبرسی گفته‌اند: در گذشته نوعی روسری برای زنان معمول بود: روسری‌های کوچک که آن را خمار یا مقنعه می‌نامیدند و معمولاً در خانه از آن استفاده می‌کردند؛ نیز روسری‌های بزرگ که مخصوص بیرون خانه به شمار می‌آمد. زنان با روسری بزرگ که جلباب خوانده می‌شد و از مقنعه بزرگ‌تر و از ردا کوچک‌تر است و به چادر امروزی شباهت دارد، مو و تمام بدن خود را می‌پوشاندند. (۱۸)

نزدیک ساختن جلباب (یدنین علیهن من جلابیبهن)، کنایه از پوشیدن چهره و سر و گردن با آن است، (۱۹) یعنی چنان نباشد که چادر یا روپوش‌های بزرگ مانند مانتو تنها جنبه تشریفاتی و رسمی داشته باشد و همه پیکر را بپوشاند.

قرآن می‌فرماید: بانوان با مراقبت جامه‌شان را بر خود گیرند و آن را رها نکنند تا نشان دهند اهل عفاف و حفظ‌اند.

## فلسفه حجاب زن

برای روشن شدن فلسفه حجاب زن و راز تفاوت آن با پوشش مردان، توجه به مطالب ذیل لازم است:

۱- توجه به رابطه پوشش با فرهنگ دینی

بر اساس فرهنگ اسلامی، انسان موجودی است که برای رسیدن به کمال و معنویت خلق گردیده است. اسلام با تنظیم و تعدیل غرایز به ویژه غریزه جنسی و توجه به هر یک از آنها در حد نیاز طبیعی، سبب شکوفایی همه استعدادهای انسان شده و او را به سوی کمال سوق داده است.

پوشش مناسب برای زن و مرد عامل مهمی در تعدیل و تنظیم این غریزه است.

۲- توجه به ساختار فیزیولوژی انسان

نوع پوشش زن و تفاوت آن با لباس مرد رابطه‌ای مستقیم با تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد دارد. در تحقیقات علمی در مورد فیزیولوژی و نیز روان‌شناسی زن و مرد ثابت شده که مردان نسبت به محرک‌های چشمی شهوت‌انگیز حساس‌ترند و چون تأثیر حس بینایی زیادتر است و چشم از فاصله دور و میدان وسیعی قادر به دیدن است، از سوی دیگر ترشح هورمون‌ها در مرد پیوسته است، مردان به صورتی گسترده تحت تأثیر محرک‌های شهوانی قرار می‌گیرند اما زنان نسبت به حس لمس و درد حساس‌ترند و به محرک‌های حسی پاسخ می‌دهند. حس لامسه بروز زیادی ندارد و فعالیتش محدود به تماس نزدیک است.

از این گذشته چون هورمون‌های جنسی زن به صورت دوره‌ای ترشح می‌شوند و به طور متفاوت عمل می‌کنند، تأثیر محرک‌های شهوانی بر زن صورتی بسیار محدود دارد و نسبت به مردان بسیار کمتر است. استاد مطهری در زمینه وجوب پوشش زنان می‌فرماید: «اما علت این که در اسلام دستور پوشش، اختصاص به زنان یافته، این است که میل به خود‌نمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها مرد شکار است و زن شکارچی، همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس‌های بدن‌نما و آرایش‌های تحریک‌کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دل‌باخته و در دام علاقه خود اسیر سازد. بنابراین انحراف تبرج و برهنگی، از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است» (۲۰) به عبارت دیگر: جاذبه و کشش جنسی و زیبایی خاص زنانه و تحریک‌پذیری جنس مردانه، یکی از علت‌های این حکم است.

البته این بدان معنا نیست که مردان با هر وضعیتی و با هر نوع پوششی می‌توانند درون جامعه ظاهر شوند، بلکه برای آنان نیز محدودیت در نظر گرفته شده، اما همان‌گونه که بیان شد در حد پوشش زنان نیست. با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت: حجاب در اسلام از یک مسئله کلی و اساسی ریشه گرفته است. اسلام می‌خواهد انواع لذت‌های جنسی (چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر) به محیط خانواده و در چهارچوب شرع و قانون اختصاص یابد و اجتماع تنها برای کار و فعالیت باشد، بر خلاف سیستم غربی که حضور در جامعه را با لذت جویی جنسی به هم می‌آمیزد و تعدیل و تنظیم امور جنسی را به هم می‌ریزد.

اسلام قائل به تفکیک میان این دو محیط است و برای تأمین این هدف، پوشش و حجاب را توصیه کرده، زیرا بی بند و باری در پوشش به معنای عدم ضابطه در تحریک غریزه و عدم محدودیت در رابطه جنسی است که آثار شوم آن بر کسی پوشیده نیست.

### **آثار و فواید رعایت حجاب و پوشش دینی**

۱- بهداشت روانی اجتماع و کاهش هیجان‌ها و التهاب جنسی که سبب کاهش عیش سیر ناپذیر شهوت است.

۲- تحکیم روابط خانوادگی و برقراری صمیمیت کامل زوجین.

با رواج بی‌حجابی و جلوه‌گری زن، جوانان مجرد، ازدواج را نوعی محدودیت و پایان آزادی‌های خود تلقی می‌کنند و افراد متأهل هر روز در مقایسه‌ای خطرناک میان آن چه دارند و ندارند، قرار می‌گیرند. این مقایسه‌ها، هوس را دامن زده و ریشه زندگی را می‌سوزاند.

۳- استواری اجتماعی و استیفای نیروی کار و فعالیت

دختر و پسری که در محیط کار و دانشگاه تحریک شهوانی شوند، از تمرکز و کارایی آن‌ها کاسته می‌شود. چیرگی شهوت بر اجتماع سبب هدر رفتن نیروی فکری و کاری است.

۴- بالارفتن ارزش واقعی زن و جبران ضعف جسمانی او

حیا، عفاف و حجاب زن می‌تواند در نقش عاطفی او و تأثیرگذاری بر مرد مؤثر باشد. لباس زن سبب تقویت تخیل و عشق در مرد است و حریم نگه داشتن یکی از وسائل برای حفظ مقام و موقعیت زن در برابر مرد است.

اسلام حجاب را برای محدودیت و حبس زن نیاورده، بلکه برای مصونیت او توصیه کرده، زیرا اسلام راضی به حبس، رکود و سرکوبی استعدادهای زن نیست، بلکه با رعایت عفاف و حفظ حریم، اجازه حضور زن را داده اما از سوء استفاده شهوانی و تجاری منع کرده است.

در واقع حجاب موجب محدودیت، مردان هرزه می‌باشد که در صدد کام‌جویی‌های آزاد و بی‌حد و حصر هستند و مصونیت زنان از دست این گروه از مردان منظور است.

## پی نوشت‌ها:

۱. المفردات فی غرائب القرآن، راغب اصفهانی.
۲. احزاب (۳۳) آیه ۵۳.
۳. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۴۳۱.
۴. تاریخ تمدن، ویل دورانت، مترجمان احمد آرام و دیگران، ج ۱، ص ۴۳۳ و ۴۳۴.
۵. احزاب، آیه ۳۳.
۶. مسأله حجاب، مرتضی مطهری، ص ۷۳؛ تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۰۱ - ۴۰۳؛ مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۴۸.
۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، ج ۷ - ۸، ص ۲۱۶.
۸. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۴۷۵.
۹. المفردات فی غرائب القرآن، ص ۱۵۹؛ مجمع البیان، ج ۷ - ۸، ص ۲۱۷.
۱۰. مجمع البیان، ج ۷ - ۸، ص ۲۱۷.
۱۱. همان.
۱۲. تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۲۳، ص ۱۷۹.
۱۳. مجمع البیان، ج ۷ - ۸، ص ۲۱۷.
۱۴. سوره احزاب، آیه ۶۰ و ۶۱.
۱۵. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۶۱.
۱۶. تفسیر صافی، فیض کاشانی، ج ۴، ص ۲۰۳.
۱۷. الجامع الاحکام القرآن، قرطبی، ج ۱۴، ص ۱۵۶.
۱۸. التبیان فی تفسیر القرآن، طوسی، ج ۸، ص ۳۶۱؛ مجمع البیان، ج ۷ - ۸، ص ۵۷۸.
۱۹. مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۵۸۰.
۲۰. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۳۶، با تلخیص